

تصمیمات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره ۲۹۱۴ / ۳۷/۱۰/۳۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گردش کار - بحکایت محتویات پرونده فرجامی بکلاسه ۲۲-۲۰۰۲ راجع بدعوی اداره اوقاف آذربایجان برعلی اکبر بیخوایسته خلع ید از دوقطعه زمین مزروعی درقریه کهنه شهر از محال شاهپور شعبه پنجم دیوان کشور بر اثر فرجامخواهی اداره اوقاف سابق البیان بشرح حکم شماره ۲۹۳۷-۲۸/۱۲/۳۳ حکم فرجام خواسته صادر از شعبه اول دادگاه استان ۳ و ۴ را باین استدلال «استناد اداره اوقاف آذربایجان باطلاعات اهالی محل برای اثبات عمل بوقف بوده نه اثبات دعوی وقف بنا بر این تحقیق از اهالی محل در جریان دعوی ممکن التاثیر بوده و مورد توجه دادگاه قرار نگرفته از این رو رسیدگی ناقص و حکم فرجام خواسته مخدوش است» شکسته است.

۲ - بدلات پرونده فرجامی بشماره ۱۸-۱۵۳۲ مربوط بدعوی اداره اوقاف نیشابور بطرفیت آقایان محمدابراهیم و محمدرضا بیخوایسته اعتراض بر تقاضای ثبت پنجسیر آب و ملک مدار ۱۴ سهم قنات مرتضی آباد شعبه چهار دیوانعالی کشور بر اثر شکایت فرجامی آقایان محمدابراهیم و محمدرضا بشرح حکم شماره ۶۱۶-۳۰/۳/۲۹ حکم صادره ازدادگاه شهرستان مشهدرا باین عبارت (چون مستند دادگاه بروقفیت گواهی گواهان فرجام خوانده است براینکه مورث فرجام خواهان در مورد خواسته بعنوان تولیت تصرف داشته در صورتیکه بامسلم نبودن تصرف فرجام خواهان که طبق ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی وماده ۳۵ قانون مدنی تصرف مزبور بعنوان مالکیت شناخته میشود ودلیل مالکیت است گواهی گواهان نظر بمدلول مواد ۲۷۹ و ۳۰۶ قانون مدنی مؤثر نبوده و اثبات وقفیت مستلزم اثبات وقوع عقد بنحوصحت و حصول قبض میباشد و بنابراین حکم فرجام خواسته صحیحاً صادر نشده و باستناد بند ۲ ماده ۵۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی) نقض نموده است. گرچه عنوان دعوی اداره اوقاف آذربایجان با عنوان دعوی اداره اوقاف نیشابور صورتاً متفاوت و یکی نبوده ولی با توجه بمفهوم هر دو دعوی و مقصود هر دو اداره مشارالیهما ادعا متحد و تغایر عنوان منشاء اثر قانونی نیست و موجب تغییر معنون که همان ادعای وقفیت است نبوده چه اینکه در دعوی بیخوایسته خلع ید در واقع اداره اوقاف آذربایجان مدعی وقف بودن مورد درخواست خلع ید است که شعبه پنجم دیوانعالی کشور عمل بوقف را که با گواهی گواهان قابل اثبات دانسته بالملازمه وقف و صحت قبض را هم با مودای گواهی گواهان اقامه شده بمنظور اثبات عمل بوقف نظریه داده است از طرفی تصرف متصرف بعنوان مالکیت را که همیشه عقد سبب تملک املاک نمیشد و برخلاف

تصمیمات قضایی

حکم مواد ۳۵ و ۱۳۰۶ قانون مدنی مورد نظر قرار نداده است و این رأی بارأی شعبه چهارم دیوان مزبور که بنا بر مراتب مذکور مشابهت موضوعی دارد مغایرت داشته زیرا شعبه اخیر الذکر حکم فرجام خواسته صادر از دادگاه شهرستان مشهد را که باستناد شهادت شهود تصرف بعنوان تولیت متقاضی ثبت را که اداره اوقاف نیشابور مدعی بوده ثابت تشخیص و در نتیجه وقف بودن مورد اعتراض بر تقاضای ثبت را محرز و حکم بابطال درخواست ثبت بعنوان مالکیت را داده بود با لحاظ مواد ۳ و ۱۳۰۶ قانون مدنی نقض کرده است و بالنتیجه ازدو فقره رونوشت حکم شماره ۶۱۶-۲۹/۳/۳۰ و حکم شماره ۲۹۲۷-۲۸/۱۲/۳۳ بطور و وضوح مستتبط است بین شعبه چهارم و شعبه پنجم دیوان عالی کشور که یکی اثبات تصرف در وقف را با گواهی گواهان مؤثر در وقفیت ندانسته و دیگری عمل بوقف را با گواهی گواهان مؤثر در اثبات وقفیت دانسته است اختلاف نظر حاصل و از نظر حدوث اختلاف بتجویز ماده واحده قانون مربوط بوحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه سال ۱۳۲۸ تقاضا دارد موضوع مختلف فیه را در هیئت عمومی برای بررسی مطرح کرده تا نسبت بان نظر مقتضی اتخاذ فرمایند.

جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور با حضور دادستان کل و معاون اول دادستان کل و آقایان رؤسا و مستشاران شعب تشکیل است.

پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه بدو باره تحقیق اختلاف مذاکره بعمل آمده و پس از شور با کثرت رأی بر تحقق اختلاف داده شده سپس با طرح موضوع و کسب عقیده دادستان کل که منبئ بر تائید رأی شعبه سوم بوده مشاوره نموده با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند :

چون بموجب صریح ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی عقد وقف صرفاً بوسیله شهادت شهود قابل اثبات نیست از این رو نظر شعبه سوم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با ماده مزبور بوده است . بدیهی است که غاصبیت بد متصرف بعنوان مالکیت با سبق تصرف و وقف بوسیله شهادت شهود قابل اثبات است این رأی بموجب ماده واحده مصوبه هفتم تیر ماه ۱۳۲۸ کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورای ملی لازم الاتباع میباشد .

۲ - جزائی

حکم شماره ۲۶۰۶
۱۳۴۷/۱۰/۳۵

گردش کار - غلامعلی ۴۵ ساله فرزند نعمت الله در سال ۳۳ با اتهام قتل غیر عمد در اثر عدم رعایت نظامات دولتی در راندن اتومبیل (ماشین تانگ نفت) تحت تعقیب واقع و مستنداً بماده ۱ قانون تشدید مجازات رانندگان کیفرخواست صادره دادگاه جنحه تبریز بدعوی اقامه شده رسیدگی و نظر بگزارش ژاندارمری آذربایجان و گواهی پزشکی

تصمیمات قضائی

قانونی و اعتراف صریح متهم و صورت مجلس موجود در پرونده بزهکاری متهم را در ارتکاب قتل غیر عمد (سوار کردن مسافر در نفتکش و سقوط اتومبیل و فوت مسافر در نتیجه عدم رعایت نظامات دولتی) ثابت دانسته و با انطباق مورد ماده استنادی و رعایت ماده ۵؛ قانون مجازات عمومی او را بدو ماه و پانزده روز حبس تأدیبی و یک هزار ریال هزینه دادرسی و پنج هزار ریال جزای نقدی با احتساب بازداشت گذشته محکوم نموده متهم از محکومیت خود و دادیار از قلت مجازات پژوهش خواسته اند. شعبه؛ دادگاه استان آذربایجان بشکایت رسیدگی و با استدلال آنکه اعتراضات متهم و وکیل او تکرار مطالب سابق است و مؤثر در مقام نیست و درخواست تشدید مجازات دادسرا نیز غیر وارد است و بر حکم پژوهش خواسته از لحاظ ثبوت بزه و انطباق با قانون و تعیین مجازات اشکالی وارد نیست آنرا عیناً تأیید و استوار نموده است وکیل متهم از حکم مزبور فرجام خواسته شعبه ۲ دیوانعالی کشور بموضوع رسیدگی و با استدلال آنکه دادگاه بطور مجمل مسئولیت متهم را عدم رعایت نظامات دولتی معرفی کرده و چنانچه منظور دادگاه سوار کردن مسافر بوده موافق ماده ۸۴ آئین نامه راهنمایی سوار کردن یک مسافر مانعی نداشته و بنابراین حکم دادگاه صحیح نخواهد بود و اگر منظور غیر از این بوده آنها هم توصیف و روشن نشده تا معلوم گردد مبنای محکومیت متهم چه بوده و بجهات مزبور حکم را مخدوش و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان آذربایجان ارجاع شده است. پرونده بشعبه سوم دادگاه مذکور ارجاع بارسیدگی بموضوع اتهام و خلاصه با استدلال آنکه (بطور کلی اتومبیل های باری و نفتکش حق قبول مسافر ندارند و حمل مسافر مخصوص اتومبیل های سواری است و اتومبیل باری و نفتکش اگر مسافری قبول کند این عمل خارج از مصادیق عدم رعایت نظامات دولتی مقرر در ماده ۱ قانون تشدید مجازات رانندگان نخواهد بود و اینکه دادگاه بدوی بزهکاری متهم را در نتیجه عدم رعایت نظامات دولتی ثابت دانسته با اقرار متهم بسوار کردن مسافر در بین راه مسلماً همین عمل متهم بوده است و ماده ۸۴ آئین نامه راهنمایی که اجازه سوار کردن یک نفر در وسائل نقلیه بارکش موتوروی داده مقصودش یک نفر شاگرد راننده بوده نه بعنوان مسافر که مطلقاً ممنوع از قبول آنست) عمل متهم را مشمول ماده ۱ قانون استنادی دانسته و با توجه بمحتویات پرونده و مدافعات متهم بر اینکه منظور از سوار کردن مسافر بعنوان کمک و توجه بوضع پریشان او که در زمستان در وسط بیابان افتاده بوده است بوده تقاضای تشدید مجازات را موجه ندانسته و حکم پژوهش خواسته را از حیث احراز بزه و تطبیق با قانون خالی از اشکال تشخیص و عیناً استوار نموده است متهم حین اعلام رأی فرجام خواسته اعتراض خاصی نکرده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور آقای دادستان کل و معاون اول دادستان کل و آقایان رؤسا و مستشاران شعب تشکیل است؛ پس از قرائت گزارش جریان و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده دادستان کل که مبنی بر نقض حکم صادره بود مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند.

چون از عبارت ماده ۸۴ آئین نامه راهنمایی و رانندگی چنین مستفاد است که سوار کردن یک نفر مسافر در وسیله نقلیه باری موتوروی پهلوی

تصمیمات قضائی

راننده ممنوع نیست و با این حال استدلال دادگاه برخلاف ماده مزبور باینکه عمل متهم از این جهت خارج از مصادیق عدم رعایت نظامات دولتی نبوده صحیح نمیباشد رأی فرجام خواسته که از همین جهت بر محکومیت صادر گردیده بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی نقض میشود و چون ممکن است در اثر رسیدگی از جهات دیگر پیش بینی شده در قانون تشدید مجازات رانندگان فرجام خواه مقصر تشخیص داده شود رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان آذربایجان ارجاع میگردد.

۳ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۹۱۴}{۲۷/۱۰/۳۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گردش کار - در موضوع دو دعوی که مربوط بماده ۲۱۸ قانون مدنی میباشد از دوشعبه پنجم و هشتم سابق دیوانعالی کشور دو رأی مختلف صادر گردیده است باین شرح که در یک مورد حسنعلی نام حکمت به کابریل مادو نام بعنوان اینکه کابریل برای فرار از دین اقدام بمعامله ملک خود نموده است اقامه دعوی کرده و دادگاه شهرستان با استدلال اینکه ثابت است که معامله بیع قطعی بین کابریل و بانو بنفشه بموجب اسنادی که شماره های آن ذکر شده برای فرار از دین بوده بدستور ماده ۲۱۸ قانون مدنی حکم بر بطلان و عدم نفوذ معامله مذکوره صادر کرده است که این حکم در دادگاه استان استوار گردیده است و شعبه پنجم دیوانعالی کشور بشرح رأی شماره ۲۴ - ۲۱۲۱ - ۱۳۳۶/۲/۲۷ که عیناً درج میشود (حکم فرجام خواسته مخدوش است زیرا ماده ۲۱۸ استنادی ناظر بموردیست که معامله بقصد فرار از دین واقع شود و در چنین صورت است که معامله نافذ نخواهد بود لیکن در این مورد که در تاریخ صدور حکم فرجامخواسته دین کابریل مادو با آقای حسنعلی حکمت هنوز تحقق و صورت قطعیت نیافته نمیتوان مشمول ماده فوق الذکر دانست از این رو حکم فرجامخواسته که برخلاف قانون صادر شده شکسته میشود و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد) حکم دادگاه استان را نقض کرده اند و حال آنکه در مورد مشابه شعبه هشتم سابق دیوانعالی کشور در تاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۸ بشماره ۴۳۳ چنین رأی داده اند: دادگاه استان با استناد اینکه فاطمه در تاریخ انتقال اعیانی بخانه دین حال یا مؤجل بحیب الله نداشته بصحت دو فقره انتقال مزبور حکم داده در صورتیکه ماده ۲۱۸ قانون مدنی که مورد توجه آن دادگاه هم بوده است تحقق قصد فرار از دین را موجب عدم نفوذ معامله قرارداد داده نه تحقق دین را بنابراین حکم فرجام خواسته برخلاف قانون مزبور صادر گردیده و بموجب ماده ۵۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی نقض و تجدید رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میشود:

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل و معاون اول دادستان کل و آقایان رؤساء و مستشاران شعب

تصمیمات قضائی

تشکیل است پس از قرائت جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده دادستان کل که مبنی بر تحقق دین و معامله هر دو بوده مشاوره نموده با کثرت بشرح زیر رأی میدهند.

ماده ۲۱۸ قانون مدنی مبنی بر عدم نفوذ معامله ایکه بقصد فرار از دین واقع شده ناظر بصورتی است که دین مدیون بشخص ثالث در نظر دادگاه معلوم بوده و محقق شود بمنظور فرار از تأدیه دین اقدام بمعامله نموده است بنابراین حکم صادر از دوشعبه پنجم و هشتم دیوانعالی کشور در قسمتی که مخالف نظر فوق میباشد صحیح نبوده است.

۴ - جزائی

حکم شماره $\frac{۲۶۰۷}{۳۷/۱۰/۲۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گردش کار - اداره گمرک بوشهر استناداً بصورت مجلس ۲۰۱/۲۳ کشف مقداری چای خارجی از منزل غلامعلی، مشارالیه را مرتکب قاچاق دانسته و با ضبط جنس مکشوف ۱۵۷۵/۲ ریال جریمه از او مطالبه نموده نامبرده نیز با پرداخت مبلغ مذکور در مهلت قانونی دادخواست بخواسته انکار از قاچاق و استرداد مبلغ مأخوذ بدادگاه شهرستان بوشهر تقدیم داشته و دادگاه مزبور رسیدگی و از نظر اینکه جنس مکشوف بیش از مقداری که یکنفر مسافر بموجب ماده ۱۰ و توضیح ماده ۱۰ مقررات گمرکی میتواند داشته باشد نبوده و اداره گمرک عنوان نکرده است که متهم سابقه در این عمل داشته است ایراد خواهان برائت را وارد تشخیص داده و اداره گمرک را بپرداخت جریمه و تسلیم مال مأخوذ با اخذ عوارض گمرکی محکوم نموده و بر اثر پژوهش خواهی اداره گمرک دادگاه استان رسیدگی و بالتیجه حکم پژوهش خواسته را استوار نموده و در نتیجه فرجام خواهی اداره گمرک دادنامه فرجام خواسته بموجب رأی شماره ۱۹۷-۳۶/۱/۲۵ شعبه هشتم دیوانعالی کشور از این جهت که «مقررات گمرکی راجع بوارد کردن اجناس مورد نیاز معین مربوط بمسافری عادی میباشد نه اشخاص مانند فرجام خوانده که بمناسبت حرفه همیشه در سفر باشد» شکسته شده و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان هفتم ارجاع گردیده شعبه مرجوع الیه در غیاب نماینده پژوهش خواه که لایحه فرستاده بود و همچنین در غیاب پژوهش خوانده رسیدگی و استدلال دادگاه بدوی را باینکه مسافری وارد بکشور می تواند قسمتی از مایحتاج خود را که قیمت آنها زائد بر دو هزار ریال نباشد بدون پرداخت عوارض بداخله کشور حمل نمایند صحیح دانسته و صرف این امر را که کسی باقتضای شغل دائم السفر باشد سبب حق استفاده او از این معافیت لااقل برای بار اول تلقی نموده و چون دلیلی هم بر اینکه متهم زائد از یک بار از این حق استفاده نموده باشد در پرونده کار موجود نبوده حکم پژوهش خواسته را استوار کرده و رئیس اداره گمرک در ذیل دادنامه اخیر دادگاه استان هنگام رؤیت آن نوشته است اعتراض دارد و دادسرای استان این اعتراض را

تصمیمات قضایی

فرجامخواهی محسوب نموده و پرونده امر را بدیوانعالی کشور فرستاده است .
جلسه رسیدگی هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور
باحضور معاون اول دادستان کل کشور از آقایان رؤساء و مستشاران شعب دیوانعالی کشور
تشکیل و پرونده کلاسه ۳۲۵۲/۸ شعبه هشتم مطرح رسیدگی واقع و پس از قرائت
گزارش پرونده و اوراق لازم و احکام مربوطه و کسب عقیده معاون دادرسی دیوان
کشور مبنی بر نقض دادنامه فرجام خواسته مشاوره بعمل آورده و به اکثریت چنین رأی میدهند :

گر چه از طرف اداره فرجامخواه اعتراض موجهی بعمل نیامده ولی ملاحظه میشود که دادگاه با احراز اینکه فرجام خوانده باقتضای شغل (رانندگی موتورلنج مسافری) همیشه در سفر بوده اورا لااقل برای بار اول در استفاده از حقی که مسافرین بموجب مقررات گمرکی در وارد کردن اجناس مورد نیاز بمیزان معین دارند مجاز دانسته در صورتیکه مقررات مربوطه مربوط بمسافرین عادی است و شامل اشخاصی مانند فرجام خوانده نمیشد بنا بر این حکم فرجام خواسته فاقد مستند قانونی بوده و بر طبق ماده ۴۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری شکسته میشود و ختم رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان هفتم ارجاع میگردد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی